

اتحادیه کارگری کانادا و شمشیرزنی در رکاب سرمایه

کمیته هماهنگی

شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۷

اتحادیه های کارگری با خلع سلاح جنبش کارگری راه تهاجم سرمایه به معیشت توده های کارگر را هموارتر می کنند. در کشور نروژ بخشی از طبقه کارگر را مجبور کردند که با پذیرش کاهش دستمزدها برای رهایی سرمایه از مهلکه بحران جان فشانی کنند و از تمامی توده های کارگر خواستند که تا بحران باقی است خیال درخواست هر نوع افزایش دستمزد را از سر به در کنند. در آلمان برای سازمان دادن گسترده ترین موج های اخراج کارگران با تراست های عظیم سرمایه داری همکاری کردند و پشت سر هم قرارداد کاهش دستمزدها را امضا نمودند. در سوئد فقط تا لحظه حاضر خواست صاحبان سرمایه برای اخراج ۱۰۰ هزار کارگر را برنامه ریزی کرده اند و به اجراء نهاده اند و راه نطفه بندی هر اعتراض علیه این جنایت را مسدود ساخته اند. در همین سوئد بخش وسیعی از کارگران را به تحمل ۲۰٪ دستمزدهای خود مجبور نموده اند. در یونان در صف سرمایه علیه کارگران به همه توطئه ها توسل جستند. در فرانسه زیر فشار موج سرکش خشم و قهر توده های عاصی کارگر یک گام با مبارزات آنان همراهی نشان دادند فقط به این خاطر که گامی آن سوتر کل جنبش کارگری را به نفع سرمایه سلاخی نمایند و به شکست بکشانند. در ایتالیا و جاهای دیگر همین کار را کرده اند و در کانادا در طول این دو سال در ازای همکاری ارگانیک بی دریغ با سرمایه داران در کار وسیع ترین بیکارسازی های کارگران به دریافت بالاترین نشان های افتخار سرمایه نائل شدند. اتحادیه های کارگری کانادا به این نیز بسنده نکرده و در سناریوی سیاه مزدوری خویش چند روز قبل قراردادی را امضا نموده اند که تجسم یکی از کثیف ترین و بیشرمانه ترین اقدامات ضد کارگری به نفع صاحبان سرمایه است. این قرارداد حاوی اقدامات زیر است:

۱. دستمزدها منجمد خواهد شد.

۲. مرخصی سالانه کارگران یک هفته کاهش خواهد یافت.

۳. بخشی از حقوق کارگران به میزان ۱۷۰۰ دلار که زیر نام «عیدی»!! پرداخت میشد به طور کامل حذف می شود.

۴. بخش دیگری از دستمزد که به نام کمک به هزینه دندان پزشکی کارگران نامگذاری شده!! حذف می گردد.

۵. قسمت سومی از دستمزد کارگران که با عنوان کمک به هزینه مهد کودک، ورزشگاه و آموزش کودکان خانواده

های کارگری مشخص می گردد به طور کامل قطع خواهد شد.

۶. هزینه های مراقبت طولانی مدت کارگران سالخورده حذف و از حقوق اندک بازنشستگی کارگران کسر می گردد.

۷. هر کارگر بازنشسته ملزم خواهد بود که هر سال ۱۸۰ دلار به عنوان حق بیمه پرداخت کند.

قرارداد فوق میان اتحادیه کارگران خودروسازی کانادا با سرمایه داران این رشته بسته شده و تا سال ۲۰۱۲ اعتبار خواهد داشت. مدت ۳ سال بر پایه برآورد سرمایه داران برای خروج از گرداب بحران تعیین شده است. معنای واقعی تعیین مدت مطلقاً این نیست که سرمایه داران در طول این دوره باز هم به زندگی کارگران تعرض نخواهند

کرد. معنای زمینی این تعیین مدت همچنین آن نیست که اتحادیه کارگری در صورت نیاز سرمایه بلافاصله سناریوی قراردادنویسی علیه دار و ندار معیشتی کارگران را ساز نخواهند کرد و به اجرا نخواهند نهاد. معنای واقعی این ۳ سال فقط این است که توده های کارگر در این دوره ۳ ساله حق هیچ نوع نفس کشیدنی علیه سرمایه نخواهند داشت. مسؤل انعقاد این قرارداد در مصاحبه با روزنامه ها اعلام کرد که فشار ناشی از مفاد قرارداد بر زندگی کارگران را بسیار خوب متوجه است اما باید وضعیت روزوشرایط دامنگیر صاحبان سرمایه را درک کرد. او گفت ما باید این کارها را انجام دهیم تا جنرال موتورز قادر به ادامه کار خود شود. وی اضافه کرد که: " اتحادیه توانست در عرض چند روز یک معامله شگفت انگیز را به انجام برساند. معامله برای سرعت بخشیدن به روندی که با تحقق آن کمپانی جنرال موتورز خواهد توانست از کمک دولتی لازم استفاده کند و از ورشکستگی نجات یابد." کلام بعدی مسؤل اتحادیه این بود که: « حال تمامی چشمان به دولت دوخته شده است.» و مراد وی از این عبارت آن بود که ما همه شرط و شروط لازم مزدوری خویش را در کارسلاخی توده های کارگر به نفع ماندگارسازی سرمایه به جای آوردیم و حال نوبت دولت سرمایه داری است که کار ما را تکمیل کند. باید صدها میلیارد سرمایه حاصل کار و استثمار همین کارگران و نسل های پیشین آن ها را یکجا به صاحبان خودروسازی ها هدیه کند. همه این کارها باید صورت گیرد تا نظام بردگی مزدی از گزند تعرض جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر در امان ماند.

حرف ها، تحلیل ها و پیام های رؤسای اتحادیه کارگری بسیار شفاف و بی نیاز از تفسیر است. فشرده سخن آن ها این است که حیات کارگران به حیات سرمایه داری وابسته است. سرمایه داری نباشد کارگران نیز وجود نخواهند داشت. حیات سرمایه زیر فشار طغیان موج بحران در خطر جدی است. باید سرمایه را نجات داد تا از این طریق کارگران هم نجات یابند. آنچه بر زبان مسؤلین اتحادیه کارگران خودروسازی کانادا جاری است بدون هیچ کم و کاست جوهر و داربست و تمامیت سخن و پیام جنبش اتحادیه ای در سراسر دنیا است. این سخن در چهارچوب حفظ نظام سرمایه داری بدون شک سخن درستی است. در چهارچوب سرمایه داری، زندگی کارگران به زندگی سرمایه وابسته است. تمام تلاش اتحادیه های کارگری این است که زندگی سرمایه را برای ادامه استثمار کارگران نجات دهند. به عبارت دیگر، اتحادیه های کارگری می خواهند چهارچوب سرمایه داری حفظ شود درحالی که نجات کارگران درگرو نابودی این چهارچوب است، به طوری که نه سرمایه داری باقی بماند و نه برده مزدی بودن انسان ها.

صاحبان جنرال موتورز به دنبال انعقاد قرارداد بالا پیروزمندان در مقابل دوربین های رسانه ها حاضر شدند. آنان مراتب شادی و سرور خود را کتمان نکردند. به مثابه فاتحان واقعی یک جنگ به ستایش نیروهای پیشمرگ خود پرداختند. سرمایه داران گفتند: "ما به رهبران اتحادیه خودروسازی کانادا درود می فرستیم. آنان در این شرایط بد اقتصادی فداکاری عظیمی نشان دادند." این عبارت نیز بدون شک درست است. نه فقط اتحادیه کارگری کانادا بلکه همه اتحادیه های کارگری دنیا امروز در نقش پیشمرگ سرمایه علیه توده های طبقه کارگر دنیا می جنگند و توطئه می کنند. سرمایه یک رابطه اجتماعی است. سرمایه دار فقط مالک کارخانه، تجارتخانه، زمین و مزرعه و فروشگاه نیست. همه نیروها، نهادها، مؤسسات و سازمان هایی که برای دفاع از رابطه سرمایه و برای تحمیل رابطه تولید اضافه ارزش بر طبقه کارگر دنیا تلاش می کنند نیز در قطب سرمایه قرار دارند. دیوان سالاری اتحادیه ای نیز به طور واقعی چنین است. این که عده ای کارگر هنوز به اتحادیه ها توهم دارند، این که اتحادیه های

کارگری به خاطر رفع خطر مبارزه طبقاتی توده های کارگر اینجا یا آنجا سرمایه داران را به قبول درهم و دیناری افزایش دستمزد کارگران متقاعد می کنند و سایر کارهای این نوعی هیچ تغییری در واقعیت مکان آن ها به عنوان جزء پیوسته ای از قطب سرمایه در درون رابطه اجتماعی سرمایه ایجاد نمی کند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۳ اسفند ۱۳۸۷

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com